

از اصول و قواعد اهل سنت و جماعت در عقیده

تألیف

الشیخ صالح بن فوزان الفوزان

ترجمه

اسحاق دبیری (رحمه الله)

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

فهرست

۳	مقدمه مترجم
۴	مقدمه مؤلف
۶	تعریف گروه نجات یافته، اهل سنت و جماعت
۱۱	نامهای گروه رستگار و نجات یابنده و تعریف آن
۱۲	اصول اهل سنت و جماعت
۱۳	اصل و قاعده اول
۱۷	اصل و قاعده دوم
۱۸	اصل و قاعده سوم
۱۹	اصل و قاعده چهارم
۲۰	اصل و قاعده پنجم
۲۰	اصل و قاعده ششم
۲۱	اصل و قاعده هفتم
۲۳	اصل و قاعده هشتم
۲۴	اصل و قاعده نهم
۲۵	خاتمه

مقدمه مترجم

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

اصول و قواعد اهل سنت بسیار است، این کتاب فقط اشاره ای به بعضی از قواعد مهم شده که ما آنرا به فارسی نگارش نمودیم.

امید است این قواعد مورد درک و فهم، و در صحنه عمل افراد جامعه قرار گیرد. از خداوند مسئلت داریم که ما و دانشمند محترم مؤلف این کتاب و خوانندگان گرامی از اجر و پاداش خیر دور نفرماید، و آنرا خالص برای رضا و خشنودی خود قرار دهد، و ما را از جمله این حدیث شریف بگرداند، رسول اکرم ﷺ فرمودند: ((إذا مات ابن الإنسان انقطع عمله إلا من ثلاثة: صدقة جارية أو علم ينتفع به، أو ولد صالح يدعو له)). مسلم.

اگر انسان دنیا را وداع گفت همه اعمال و کردار او قطع خواهد شد مگر از سه چیز: صدقه ای که در جریان و روان باشد و به مردم برسد، و علم و دانشی که مردم از آن استفاده ببرند، و فرزندی نیک و صالح که برایش دعا کند.

اسحاق بن عبدالله دبیری

ریاض: ۱۴۲۱/۱۲/۲۰ هـ ق - ۱۳۷۹/۱۲/۲۵ هـ ش

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين هدانا للإسلام، ﴿وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله﴾. [الأعراف ٤٣].

[اگر هدایت و لطف الهی نبود ما خود در این مقام راه نمی یافتیم].
و از خداوند مسئلت داریم تا وداع این دنیا، ما را ثابت قدم و استوار نگه دارد، چنانکه می فرماید: ﴿يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن إلا وأنتم مسلمون﴾. [آل عمران ١٠٢].

[ای کسانی که ایمان آوردید از خدا بترسید آن چنان که شایسته ترسیدن از اوست، همیشه بر پرهیزگاری و اخلاص در ایمان باشید تا نتیجه آن عاقبت خیر باشد)، و نمیرید مگر به دین اسلام].

وأن لا يزيغ قلوبنا بعد أن هدانا، ﴿ربنا لا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا﴾. [آل عمران ٨].
[پروردگارا دل های ما را به کج روی و باطل مینداز بعد از این که ما را به راه راست هدایت فرمودی].

وصلی الله وسلم علی نبینا و قدوتنا وحبیبنا محمد رسول الله الذی بعثه رحمۃ للعالمین،
ورضی الله عن أصحابه البررة الأطهار المهاجرین والأنصار، ومن تبعهم بإحسان ما تعاقب
اللیل والنهار .

وبعد: این چند کلمه مختصری در بیان عقیده اهل سنت و جماعت است و انگیزه نوشتن آن این بود که امت اسلامی در حالت پراکندگی و اختلاف بسیار زیادی قرار دارد، آن هم به سبب وجود بسیاری از گروه های متعدد معاصر که با هم اختلاف داشته، هر یکی از آنها به روش و طریقه خود دعوت کرده، و گروه خود را شایسته و والاتر می داند، تا این که افراد نادان مسلمان گیج شده نمی داند کدام یک از این گروه ها را پیروی کند، و به چه کسی اقتدا و تاسی نماید، و کافری که بخواهد مسلمان شود نمی داند اسلام حقیقی

که در باره آن خوانده و شنیده کدام است، آن اسلامی که قرآن و سنت پیامبر ﷺ به سوی آن دعوت کرده، اسلامی که زندگی صحابه گرامی نمایان گر آن بوده، و اهل قرون برتر آن را سیره خود قرار داده بودند، یا اینکه فقط نام اسلام را می بینند، و بنا به گفته یکی از باخترشناسان (مستشرقین): اسلام پنهان و پوشیده است، یعنی مسلمانانی که پیرو اسلام هستند، بیان کننده اسلام حقیقی نیستند .

ما نمی گوئیم که به طور کلی اسلام وجود ندارد، زیرا خداوند بقاء آنرا در دو چیز نهفته است: در بقای قرآن، چنان که می فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾. [الحجر ۹].

[ما قرآن را بر تو نازل کردیم، و ما هم آن را محفوظ خواهیم داشت].
و در بقای گروهی از مسلمانان که اسلام حقیقی را بیان می کنند و آن را حفظ و نگهداری کرده از آن دفاع می کنند، چنان که خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾. [المائدة ۵۴].

[ای مردمی که ایمان آورده اید هر کس از شما از دین خویش برگردد، خدا گروهی را به میان می آورد که ایشان را دوست می دارد، و ایشان او را دوست می دارند، نسبت به مؤمنان پر محبت، و بر کافران سختگیرتر و پر خشم اند، در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش و نکوهش و ملامت هیچ کسی باکی ندارند].

و می فرماید: ﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾. [محمد ۳۸].
[و اگر پشت به فرمان او کنید و راهنمایی های او را نپذیرید به جای شما گروهی غیر از شما می آورد (که فرموده خدا را تصدیق کنند و بر راه او روند و به شریعت او عمل کنند و به آنچه خدا فرمود عمل نمایند و پیرو پیامبر باشند)، آنگاه آنان مانند شما نخواهند بود].

بلی آن جماعت و گروهی است که رسول اکرم ﷺ از آنها خبر داده و می فرماید: ((لا تزال طائفة من أمتي علي الحق ظاهرين لا يضرهم من خذلهم ولا من خالفهم حتي يأتي أمر الله تبارك وتعالى وهم علي ذلك)). [متفق عليه].

((همواره گروهی از امت من بر حق ظاهر و آشکارند، و عدم تأیید و عدم نصرت و یاری کسی، و مخالفت هیچ کس به آنها ضرر نمی رساند تا این که امر خدا یعنی قیامت بر پا شود و آنان بر همان راه حق خود می باشند)).

و از این جا بر ما واجب می شود تا با این گروه مبارک آشنا شویم، آن گروهی که اسلام صحیح را بیان می کنند - خدایا ما را از آنها بگردان - و همانا شناختن آن واجب است برای کسی که بخواهد با آن اسلام حقیقی و صحیح و پیروان حقیقی آنها آشنا شده، و به آنها اقتداء و تأسی کند و بر روش آنها برود و به آنها بپیوندد، و برای غیر مسلمانان که بخواهند به اسلام داخل شوند .

تعریف گروه نجات یافته، اهل سنت و جماعت

مسلمانان در عصر رسول اکرم ﷺ، امت یکتا بودند، چنان که خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾. [الأنبياء ۹۲].

[این حقیقت آشکار است که امت شما یکتاست، (و دارای یک راه و یک عقیده، و یک آیین است) و من پروردگار یکتا و آفریننده شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید].
یهود و منافقین چنان کوشش کردند تا بین مسلمانان در زمان پیامبر اکرم ﷺ تفرقه و اختلاف بیندازند، ولی نتوانستند، چنان که خداوند از قول منافقین چنین می فرماید: ﴿لَا تَنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفُضُوا﴾. [المنافقون ۷].

[بر اصحاب و یاران رسول الله مال را انفاق نکنید تا از دور او پراکنده شوند (و او را رها کنند)].

و خداوند در رد آنها چنین پاسخ داد: ﴿وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنِ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُون﴾. [المنافقون ۷].

[گنج های آسمان ها و زمین نزد خداست، لیکن منافقان (این را) نمی دانند (و آنرا درک نمی کنند)].

یهودیان کوشش کردند تا بین مسلمانان تفرقه و اختلاف بیاندازند و آن‌ها را از دین اسلام باز دارند، چنان که باری تعالی می‌فرماید: «وقالت طائفة من أهل الكتاب آمنوا بالذي أنزل علي الذين آمنوا وجه النهار واكفروا آخره لعلهم يرجعون». [آل عمران ۷۲].

[و گروهی از اهل کتاب گفتند به دین و کتابی که برای مسلمانان نازل شده اول روز (با نیرنگ) ایمان آورید، و آخر روز کافر شوید، شاید (با این حلیه) آنها نیز از دین اسلام برگردند].

ولی این دسیسه‌های آن‌ها به پیروزی نرسید، زیرا خداوند آن‌ها را آشکار کرد و رسوا نمود، بار دوم به این دسیسه‌ها دست زدند و آن‌چه بین انصار از جنگها و دشمنی‌ها قبل از اسلام رخ داده بود برای‌شان بازگو می‌کردند، و آنچه بین آن‌ها از شعرها گفته شده بود بازگو می‌کردند، ولی خداوند دسیسه‌های آنها را آشکار نمود، چنان که می‌فرماید: «يا أيها الذين آمنوا إن تطيعوا فريقاً من الذين أوتوا الكتاب يردوكم بعد إيمانكم كافرين و كيف تكفرون وأنتم تتلي عليكم آيات الله وفيكم رسوله ومن يعتصم بالله فقد هدي إلي صراط مستقيم . يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن إلا وأنتم مسلمون واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخواناً وكنتم علي شفا حفرة من النار فأنقذكم منها كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم تهتدون . ولتكن منكم أمة يدعون إلي الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر وأولئك هم المفلحون ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البينات وأولئك لهم عذاب عظيم . يوم تبيض وجوه وتسود وجوه فأما الذين اسودت وجوههم أكفرتهم بعد إيمانكم فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون». [آل عمران ۱۰۰ - ۱۰۶].

[ای مؤمنان اگر پیروی و اطاعت گروهی از اهل کتاب نمایید شما را بعد از ایمان داری به کفر بر می‌گردانند، و چگونه شما (مؤمنان) کافر خواهید شد در حالی که آیات خدا بر شما خوانده می‌شود، و پیغمبر خدا در میان شما است . و کسی که به دین خدا چنگ زند به راستی به راه مستقیم هدایت یافته . ای مردمی که ایمان آورده‌اید از خدا آن چنان که شایسته‌تر رسیدن از اوست بترسید، و نباید مرگ شما فرار سد مگر در حالی که مسلمان باشید . و همگی به ریسمان خداوندی که همانا اسلام است چنگ زده و از

یکدیگر پراکنده مشوید، و نعمت هایی که خدا به شما ارزانی فرمود به یاد آورید، دشمنان همدیگر بودید، خدا میان دل هایتان الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند همه برادر (دینی) یکدیگر شدید، و در پرتگاه (چاله ای از) آتش بودید، خدا شما را نجات داد، (خدای توانا به برکت دین اسلام شما را همگی با هم برادر و همدست و دوستدار یکدیگر گردانید)، آن چنان که یاد شد خدا آیات خود را برای شما روشن فرمود تا به راه راست بروید . و باید از شما مسلمانان همیشه گروهی باشند که به سوی خیر و خوبی دعوت کنند و از بدی باز دارند و آنانی که چنین کنند، (امر بمعروف نمایند و نهی از منکر کنند آنان) رستگاران هستند . و شما (مسلمانان) مانند مللی نباشید که راه تفرقه و اختلاف پیمودند پس از آن که آیات و دلایل روشن از جانب خدا برای هدایت آنها آمد، و چنین گروهی گرفتار عذاب سخت خواهند بود . روزی که کسانی رو سفید و کسانی رو سیاه گردند، آنهایی که روی شان سیاه شود (به آنان گفته می شود) آیا بعد از ایمان آوردنتان کافر شدید! (نتیجه اش این است که در برابر کفر آوردنتان عذاب خداوندی بچشید).

و رسول اکرم ﷺ برای انصار موعظه گفت و آنها را از نعمت اسلام و اجتماع آنها بعد از تفرقه یادآوری نمود، در این حال انصار با هم دست دادند و همدیگر را به آغوش کشیدند . [تفسیر ابن کثیر ۳۹۷/۱، و کتاب أسباب النزول للواحیدی ص ۱۴۹ - ۱۵۰]. اینجا بود که دسیسه های یهود بر هم خورد و مسلمانان امت یکپارچه باقی ماندند، و خداوند آنها را به اجتماع و هماهنگی بر حق امر فرمود و از اختلاف و تفرق باز داشتند، چنان که می فرماید: ﴿ولا تکنوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات﴾. [آل عمران ۱۰۵].

[و مانند مردمی مباشید که از هم پراکنده شدند و اختلاف به میان آوردند و تفرق و اختلافشان بعد از رسیدن نشانه های آشکار از خدای تعالی به ایشان بود].

و هم چنان می فرماید: ﴿واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا﴾. [آل عمران ۱۰۳].

[و همگی به رشته (دین) خدا چنگ بزنید، و به راه های متفرق پراکنده مشوید].

خداوند اجتماع و هماهنگی را در به جا آوردن عبادات در نماز و روزه و حج و طلب علم و دانش مشروع کرده است، و رسول اکرم ﷺ مسلمانان را به هماهنگی تشویق نمودند و از تفرقه و اختلاف بر حذر داشتند، و از چیزی خبر می دادند که به هماهنگی و اجتماع تشویق کرده و از تفرقه باز می دارد.

و خبر دادند که در این امت اختلاف و پراکندگی به میان خواهد آمد، چنان که در امت های قبل از اسلام چنین بوده است، و فرمودند: ((فإنَّه من یعش منکم فسیری اختلافاً کثیراً فعلیکم بسنتی وسنة الخلفاء الراشدين المهديين من بعدی)).
[أبوداود والترمذی وأحمد وابن ماجه].

(زیرا هر کس از شما عمری طولانی کند، اختلافات و تفرقه های بسیاری خواهد دید، پس بر شماست که پیرو سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت شده که بعد از من می آیند باشید.

و در حدیث دیگر می فرماید: ((افتترقت اليهود علی إحدی وسبعین فرقة وافتترقت النصراری علی اثنین وسبعین فرقة وستفترق هذه الأمة علی ثلاث وسبعین فرقة کلها فی النار إلا واحدة، قلنا: من هی یا رسول الله؟ قال: من كان علی مثل ما أنا علیه الیوم وأصحابی)).

[الترمذی والحاکم والأجری فی الشریعة وابن نصر المروزی فی السنة ص ۲۲ - ۲۳، واللالکائی فی شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة ۱/۱۴۵ - ۱۴۷].

(یهود بر هفتاد یک فرقه و گروه تقسیم شدند، و نصاری بر هفتاد دو گروه، و این امت (یعنی مسلمانان) بر هفتاد سه گروه تقسیم خواهد شد، همه این فرقه ها و گروه ها در آتش جهنم اند مگر یک گروه، (صحابه گویند): پرسیدیم ای رسول خدا ﷺ این گروه رستگار چه گروهی است؟ فرمود: آنچه که من و یاران من امروز بر آن هستیم.

و در آخر عصر صحابه آنچه پیامبر ﷺ به آن خبر داده بودند واقع شد و امت پراکنده شدند، ولی این تفرقه تأثیر زیادی در کیان امت اسلام در قرون مفضله (قرنهایی که پیامبر از آنها به عنوان قرون برتر نام بردند) نداشت، با سده های بهتر و بزرگوار که رسول اکرم ﷺ درباره آن به خوبی ستوده اند و فرمودند: ((خیرکم قری ثم الذین یلوهم ثم الذین یلوهم)). [متفق علیه].

بهترین قرن ها مدت زمانی که من در آن هستم می باشد، سپس قرنی که بعد از من می آید، سپس قرنی بعد از قرن دوم می آید.

قرن: یعنی یک دوره صد ساله.

راوی حدیث گوید که: نمی دانم بعد از قرنی که رسول اکرم ﷺ در آن بود، دو قرن ذکر کرد، یا سه قرن، و فضیلت این قرن ها به سبب زیادی علماء هم چون محدثین و مفسرین و فقهاء که شامل علمای تابعین و تابع تابعین و امام های چهارگانه و شاگردان آنها بود، و هم چنان نظر به وجود یک دولت قوی که گروه های مخالف در آن با دلایل و حجت کیفر خود را می دیدند.

بعد از تمام شدن قرن های مفضله (سده های گزیده) مسلمانان با اصحاب دین های مخالف اسلام مخلوط شدند، و کتب ادیان کفر به عربی ترجمه شد، و پادشاهان مسلمانان بعضی از کافران و گمراهان را به خاندان خود خواندند و آنها را وزیر و مستشار خود کردند، در این جا بود که اختلاف پیدا شد و گروه ها و گروهک ها و مذاهب باطل به میان آمد، و از آن وقت تا حال حاضر این سلسله جریان داشته، و تا آنگاه که خدا بخواهد چنین خواهد بود.

لیکن به حمد خداوند متعال گروه رستگار اهل سنت و جماعت با چنگ زدن به اسلام درست و حقیقی پایدار مانده، و به آن عمل نموده، و دیگران را به آن دعوت می نمایند، و وجود این گروه مصداق حدیث پیامبر خداست که از بقای آن و پایداری و استوار بودن آن، خبر داده است، و این فضل خداوند راجع به بقای این دین و دلیل حجت بر گمراهان و گروه عناد و ستیزه می باشد.

این گروه مبارک روشنگر روش صحابه بزرگوار با پیامبر خدا در گفته ها و کارها و اعتقاد می باشد، چنان که پیامبر ﷺ می فرماید: ((هم من کان علی مثل ما أنا علیه الیوم وأصحابی)). [در ص ۱۸ گذشت].

آنها کسانی اند که به آنچه امروز من و یاران من بر آن هستیم چنگ زده اند.

آنها باز ماندگان صالح و نیکوکار آن کسانی اند که خداوند در باره آنها چنین فرموده است:

﴿فلولا کان من القرون من قبلکم أولوا بقیة ینهون عن الفساد فی الأرض﴾. [هود ۱۱۶].

[چرا که در قرن ها و ملت های گذشته مردمی با عقل و ایمان وجود نداشت که خلق را از فساد و اعمال زشت در زمین منع و نهی کنند].

نامهای گروه رستگار و نجات یابنده و تعریف آن

از آن جایی که این گروه، از گمراهی دور هستند، باید نام ها و نشانه های آن را دانست تا این که به آن اقتداء و تأسی نمود، زیرا آن نام های بزرگ و عظیمی دارد که توسط آن از دیگر گروه ها ویژگی خاصی به خود کسب نموده است، و از مهمترین این نام ها و نشانه ها این که از گروه های رستگار، و گروه تأیید و پیروز شده اهل سنت و جماعت است، و معانی هر یکی از آن چنین است:

۱ - گروه رستگار:

یعنی رستگار از آتش جهنم، چنان که پیامبر ﷺ وقتی گروه ها را ذکر نمودند این گروه را استثنا کردند و فرمودند: ((كلها في النار إلا واحدة)).

همه آنها در آتش جهنم اند مگر یکی، یعنی آن یکی در آتش نیست.

۲ - کسانی که به کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ و به آنچه که پیشینیان از مهاجرین و انصار بر آن بودند چنگ زنند.

چنان که پیامبر ﷺ در باره آنها فرمودند: ((هم من كان علي مثل ما أنا عليه اليوم وأصحابي)).

آنها کسانی اند که چنگ می زنند به آنچه امروز من و یاران من بر آن هستیم.

۳ - این گروه از اهل سنت و جماعت هستند، که به دو امتیاز برتری دارند:

الف - چنگ زدن به سنت پیامبر ﷺ تا آن که اهل سنت شده اند، بر خلاف گروه های دیگر که به اعتقاد خود و گفته های رهبرانشان تمسک می ورزند، بنابر این به سنت رسول الله ﷺ نسبت داده نمی شوند، بلکه به بدعت و گمراهی خود مانند فرقه قدریه و

فرقه مرجئه، یا به امامان خود مانند فرقه جهمیه، یا به کارها و کردار زشت خود مانند رافضه و خوارج نسبت داده می شوند.

ب - کسانی که اهل جماعت هستند به سبب اجتماع آنها بر حق و عدم پراکندگی و تفرق، بر خلاف گروه های دیگر که بر حق یکپارچه نیستند، بلکه هوا و میل خود را پیروی می کنند و حقی در نزدشان وجود ندارد تا آنها را با هم یکپارچه سازد.

۴ - کسانی که تا روز قیامت پیروز و کامیاب هستند، زیرا دین خدا را یاری داده و خداوند این گروه را یاری فرموده است، چنان که می فرماید: ﴿إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ﴾. [محمد ۷].

[شما اگر خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را (در همه جا و همه چیز) یاری کند].
به همین سبب رسول اکرم فرمودند: ((لا يضرهم من خذلهم ولا من خالفهم حتى يأتي أمر الله تبارك وتعالى وهم علي ذلك)).
و عدم تأیید و عدم نصرت و یاری کسی، و مخالفت هیچ کس به آنها ضرر نمی رساند تا این که امر خدا یعنی قیامت بر پا شود و آنان بر همان راه حق خود می باشند.

اصول اهل سنت و جماعت

اهل سنت و جماعت بر اساس اصولی ثابت و واضح و آشکار عمل می کنند، آن هم در اعتقاد و اعمال و رفتار و اخلاق و این اصول بزرگی است که از کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ و آنچه سلف صالح از صحابه و تابعین و پیروان نیکو بر آن بودند تلقی کرده، فراگرفته اند، و این اصول و قواعد در چند چیز ذیل خلاصه می شود:

اصل و قاعده اول

ایمان به خدا و فرشتگان و کتاب ها و پیامبران خدا و روز آخرت و ایمان به قضا و قدر، خیر و شر آن.

۱ - ایمان به خدا: تصدیق به یگانگی خدا، یعنی تصدیق کردن توحید سه گانه و اعتقاد داشتن و عمل کردن به آن، آنهم: توحید ربوبیت، و توحید الوهیت، و توحید اسماء و صفات است.

توحید ربوبیت: و آن عبارت است از توحید افعال خداوند، یعنی: معتقد بودن به این که همه چیز هم چون آفریدن، و روزی دادن، و زنده کردن، و میرانیدن از جانب خداست، و این که او پروردگار و مالک همه چیز است.

و توحید الوهیت: این که تنها خدای یگانه سزاوار تمام عباداتی است که بنده آن را به شکل مشروع برای نزدیک شدن به خدا انجام می هد، هم چون: دعاء، و ترس، و امید، و دوستی، و قربانی، و نذر، و یاری خواستن، و پناه گرفتن، فریادرسی و کمک، و نماز و روزه، و حج، و انفاق در راه خدا، و آنچه را مشروع نموده و به آن امر فرموده است، و برای خدا دیگری را شریک قرار نمی دهند، نه فرشته ای مقرب، و نه پیامبری فرستاده، و نه ولی ای از اولیاء، و نه غیر از این ها.

توحید اسماء و صفات: ثابت کردن نام ها و صفاتی که خدا آن را به خود، و یا پیامبرش آن را به او ثابت نموده است، و پاک دانستن و منزّه داشتن خدا از هر عیب و نقصی که خود را از آن منزّه داشته، و یا پیامبرش او را از آن منزّه دانسته باشد، و این همه بدون هیچ گونه تمثیل، و تشبیه، و تحریف، و تعطیل، و تأویل، چنان که خداوند می فرماید: ﴿لیس کمثله شیء وهو السميع البصیر﴾. [الشوری ۱۱].

[مانند او چیزی نیست، و او شنوای بیناست].

چنان که می فرماید: ﴿ولله الأسماء الحسني فادعوه بها﴾. [الأعراف ۱۸۰].

[و برای اوست بهترین نام ها (نام های نود و نه گانه که در حدیث آمده) خدا را با آن نام ها بنامید و به آن نام ها دعا کنید، و مناسب با آن عمل کنید].

۲ - ایمان به فرشتگان خدا: یعنی تصدیق کردن به وجود آن‌ها، و این که خلقی از مخلوقات خدایند، و آنها را از نور آفریده است تا او را عبادت کنند، و فرمان او را در جهان هستی بجا آورند، چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿بل عباد مکرمون لا یسبقونه بالقول وهم بأمرهم یعملون﴾. [الانبیاء ۲۶ - ۲۷].

[بلکه آنان همه بندگان گرامی خدا بودند، همیشه گفتار ایشان بعد از گفتار خداست، همیشه مطیع فرمان خدای خود هستند].

۳ - ایمان به کتاب‌های خدا: یعنی تصدیق به آن، و به راهنمایی و نوری که در آن است، و این که خداوند آن را برای هدایت بشریت بر پیامبران خود نازل فرموده، و عظیم‌ترین آن کتاب‌ها تورات و انجیل و قرآن است، و عظیم‌ترین این سه کتاب، قرآن است، و آن معجزه‌ای بزرگ و عظیمی است، خداوند می‌فرماید: ﴿قل لئن اجتمعت الإنس والجن علی أن یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثلہ ولو کان بعضهم لبعض ظہیراً﴾. [الإسراء ۸۸].

[بگو ای رسول خدا اگر انس و جن همه همدست شوند تا مانند این قرآن بیاورند،

نتوانند، و اگر چه بعضی از ایشان پشتیبان بعضی دیگر و مددکار یکدیگر شوند].

اهل سنت و جماعت ایمان دارند که قرآن کلام خداست، و حروف و معانی آن مخلوق نیست، به خلاف آنچه جهمیّه و معتزله می‌گویند که: قرآن همه اش با حروف و معانی آن مخلوق است، و به خلاف آنچه که اشاعره و پیروان آنها می‌گویند که: کلام خدا عبارت از معانی آن است، ولی حروف آن مخلوق است، و هر دو قول باطل است، خداوند می‌فرماید:

﴿وإن أحد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلام اللہ﴾. [التوبه ۶].

[و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد (تا از دین آگاه شود) او را پناه ده تا کلام خدا (قرآن) را بشنود].

و می‌فرماید: ﴿یریدون أن یبدلوا کلام اللہ﴾. [الفتح ۱۵]. [می‌خواهند کلام خدا (قرآن) را تغییر دهند].

پس آن سخنان و کلام خداست، نه سخنان و کلام دیگری غیر از خدا.

۴ - ایمان به پیامبران خدا: یعنی تصدیق کردن تمامی پیامبران، آنان که خداوند نام آنها را ذکر کرده، و آن که نامشان ذکر نشده است، از اول تا آخر آنها، و آخرین و خاتم آنان، پیامبرمان محمد ﷺ می باشد، ایمان به پیامبران ایمان مجمل و به طور خلاصه است، و ایمان به پیامبران محمد ﷺ دارای تفصیل است، و اعتقاد به این که خاتم پیامبران محمد ﷺ است، و بعد از او پیامبری نیست، و کسی که این اعتقاد را نداشته باشد کافر است، و ایمان به پیامبران هم چنان به معنای عدم افراط و زیاده روی و بدون کم کاری در حق آنهاست، بر خلاف یهود و نصاری که در بعضی از پیامبران زیاده روی و افراط کرده اند تا اینکه آنها را فرزندان خدا دانسته اند، چنان که می فرماید: «وقالت اليهود عزیر ابن الله وقالت النصارى المسيح ابن الله». [التوبة ۳۰].

[یهودیان گفتند که عزیر پسر خداست، و نصاری گفتند عیسی مسیح پسر خداست].
و گروهی از متصوفین و فلاسفه (فیلسوف ها) در حق پیامبران کوتاهی کرده و آنان را تحقیر نموده و امامان خود را بر آنها برتری دادند، و بت پرستان و کافران به تمامی پیامبران کافر شدند، و یهود به عیسی و محمد علیهما الصلاة والسلام کافر شدند، و نصاری به محمد ﷺ کافر شدند، و کسی که به بعضی از پیامبران ایمان آورد، و به بعض دیگر کافر شود، او در حقیقت به تمامی پیامبران کافر است، خداوند می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيَأْتُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مَا يَأْتُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِلَّا يَكْفُرُونَ بَعْضٌ وَنَكَفَرُوا بِبَعْضٍ وَيَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سُبُلًا أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا». [النساء ۱۵۰ - ۱۵۱].

[مردمی که به خدا و پیامبر او کفر می آورند و می خواهند بین خدا و پیغمبرانش جدایی اندازند و می گویند ما به برخی از انبیاء ایمان می آوریم و به بعضی ایمان نمی آوریم، و می خواهند که میان کفر و ایمان راهی اختیار کنند. در واقع این ها کافر واقعی هستند].
و می فرماید: «لا تفرق بين أحد من رسله». [البقرة ۲۸۵].

[ما بین هیچ یک از پیغمبران فرق نمی گذاریم (بلکه به همه آنها ایمان می آوریم)].

۵ - ایمان به روز آخرت: یعنی تصدیق به آنچه بعد از مرگ خواهد بود، و خدا و رسولش از آن خبر داده است، مانند: عذاب قبر و خوشی آن، و بر خاستن از قبرها، و

حشر، و حساب، و ترازوی اعمال، و گرفتن نامه‌ها با دست راست یا دست چپ، و پل صراط، و بهشت و دوزخ، و آمادگی برای آن‌ها با اعمال و کردار نیک، و ترک اعمال بد، و توبه از آنها.

و فرقه‌دهری‌ها (منکران خدا) و مشرکین، به روز آخرت کافر شده‌اند، و یهود و نصاری به روز آخرت ایمان صحیح نیاورده‌اند، گرچه به وقوع آن ایمان دارند، خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارِي﴾. [البقره ۱۱۱].

[و گفتند به بهشت نخواهد رفت مگر یهود، و نصاری].

و می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا لَنْ تَمْسَنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً﴾. [البقره ۸۰]. [و (یهودیان) گفتند که هیچ وقت خدا ما را در آتش عذاب ندهد مگر روزهای محدود و انگشت شماری].

۶ - ایمان به قضا و قدر: یعنی به این که خداوند علم آن چه بوده و خواهد بود را می‌داند، و در لوح محفوظ مقدر و سرنوشت کرده است، و آن چه از خیر و شر، و کفر و ایمان، و طاعات و معصیت، جاری است خداوند آن را دانسته و خلق کرده و مقدر نموده است، و این که طاعت را دوست دارد، و معصیت را مکروه می‌دارد و از آن نفرت دارد، و بندگان در اعمال و کردار خود، اعم از طاعت اختیار و قدرت و اراده دارند، ولی آن تابع ارادت و مشیت خداست، بر خلاف فرقه جبریه که گویند بنده بر اعمال و کردارش مجبور است و هیچ اختیاری ندارد، و بر خلاف فرقه قدریه که می‌گویند بنده اراده مستقل از اراده و مشیت خدا دارد، و اینکه اعمال و کردار خود را خلق می‌کند بدون این که خدا اراده و مشیت آن عمل و کردار را داشته باشد، و خداوند هر دو فرقه و گروه را با آیه ذیل تکذیب نموده است و می‌فرماید: ﴿وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾. [التکویر ۲۹].

[و شما نمی‌خواهید مگر آنچه پروردگار عالمیان بخواهد].

و اراده و مشیئت خود را تابع اراده و مشیئت خدا قرار دهید، پس برای بنده مشیئت ثابت کرد، و این ردّ بر افراط کنندگان فرقه جبریه است، و آنرا تابع مشیئت خود دانست، و در آن ردّ بر طایفه قدریه است، و ایمان به قدر و سرنوشت بنده را صبر (وشکیبایی می‌بخشد و از گناهان و عیب‌ها دورش می‌نماید، هم‌چنانکه آنان را به سوی انجام عمل و

کردار تشویق نموده سوق می دهد و سستی و ناتوانی و ترس و کسالت را از او دور می کند.

اصل و قاعده دوم

از اصول و اساس اهل سنت و جماعت این است که ایمان: قول و عمل و تصدیق است، با اطاعت زیاد شده، و با گناه کم می شود، و ممکن نیست که ایمان قول و عمل بوده و تصدیق نباشد، زیرا این ایمان منافقین است، و ایمان بدون شناخت و دانستن بدون قول و عمل نیست، زیرا این ایمان کافرین و منکرین است، خداوند می فرماید: ﴿وَجحدوا بها واستيقنتها أنفسهم ظلماً و علواً﴾. [النمل ۱۴].

[و آن معجزات را انکار کردند در حالیکه دل هایشان یقین صدق آن را داشت، انکارشان از روی ظلم و تکبر و خود را بالا گرفتن از قبول حق بود].

و می فرماید: ﴿فإِنَّهم لا يكذبونك ولكن الظالمين بآيات الله يجحدون﴾. [الأنعام ۳۳].

[برای این که آن ها در دل خود راستگویی و امانت تو را می دانند و بنابر آن تو را دروغگو نمی دانند و لکن آن ستمکاران نه تنها تو را، بلکه همه آیات خدا را انکار می کنند].

و می فرماید: ﴿وعاداً و ثموداً وقد تبين لكم من مساكنهم وزين لهم الشيطان أعمالهم فصدهم عن السبيل وكانوا مستبصرين﴾. [العنكبوت ۳۸].

[و قوم عاد و ثمود را که منازل خراب و ویرانشان به چشم می بینند آنها نیز با آن که بینا و هوشیار بودند چون شیطان اعمال زشت و بدشان را در نظرشان نیکو جلوه داد و از راه حق آنها را باز داشت همه هلاک و نابود گردیدند].

ایمان فقط تصدیق نیست، و یا این که قول و تصدیق بدون انجام عمل نیست، زیرا این ایمان فرقه مرجئه است، خداوند تعالی در بیشتر اوقات اعمال و کردار را ایمان می نامد،

چنان که می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تَلَيَّتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ الَّذِينَ يَفْقَهُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا﴾. [الأنفال ۲ - ۴]. [مؤمنان حقیقی کسانی هستند که هرگاه از خدا ذکر شود دل‌های‌شان از ترس بر خود بلرزد، و هرگاه آیات خدا بر ایشان خوانده شود ایمان و تصدیقشان را بیفزاید و فقط بر خدا ایمان و توکل داشته باشند نه غیر از او. آنها مردمی هستند که نماز را بر پا می دارند و از آنچه روزیشان نمودیم و به ایشان دادیم انفاق می کنند، آنان مؤمنان بر حق و واقعی هستند].

و می فرماید: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ﴾. [البقره ۱۴۳]. [خداوند کردارشان که نماز بود ضایع نمی گرداند].

یعنی نمازهایتان را به سوی بیت المقدس، و نماز را ایمان نامیده است.

اصل و قاعده سوم

از قواعد اهل سنت و جماعت این است که هیچ کس از مسلمانان را کافر نمی دانند مگر این که مرتکب یکی از نواقض اسلام شود، اما اگر یکی از گناهان کبیره غیر از شرک را انجام داد و دلیلی بر کفر مرتکب آن نبود مانند ترک نماز از روی کسالت، او را با انجام این گناه کبیره کافر نمی دانند، لیکن او را فاسق و ناقص‌الایمان می دانند، و اگر از آن گناه کبیره توبه نکرد زیر مشیت خداست، اگر خواست او را می بخشد، و اگر خواست او را عذاب می دهد، ولی در دوزخ جاودان نمی شود، خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾. [النساء ۴۸].

[خداوند شرک ورزیدن به خود را نمی بخشد و غیر از شرک گناهان دیگر را برای کسی که بخواهد می بخشد].

و مذهب اهل سنت مذهب وسط و در میانه است بین مذهب خوارج که مرتکب کبیره را اگر هم شرک نباشد، کافر می دانند، و بین مذهب مراجعه که او را مؤمن کامل‌الایمان می

دانند، و می گویند با وجود ایمان هیچ گناه اشکال ندارد، هم چنین با کفر هیچ طاعت و فرمانی فایده ندارد.

اصل و قاعده چهارم

از قواعد اهل سنت و جماعت وجوب اطاعت از فرمانداران و حکام مسلمین است، تا هنگامی که به معصیت خدا امر نکنند، و اگر به معصیت خدا امر کنند طاعت آنها واجب و جایز نیست، و فقط طاعت آنها در معروف غیر از کفر خواهد بود، عمل به قول خداوند که می فرماید: ﴿يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولي الأمر منكم﴾. [النساء ۵۹].

[ای مردمی که ایمان آوردید به فرمان خدا باشید، و فرمان پیغمبر خدا را اطاعت کنید، و از فرمانروایان (تا آنجا) اطاعت کنید (که شما را به فرمانبری خدا و رسول امر می کنند)].

قول رسول الله: ((أوصيكم بتقوى الله والسمع والطاعة وإن تأمر عليكم عبد)). [أحمد، وأبوداود، الترمذی، وابن ماجه والدارمی].

شما را به تقوی و پرهیزگاری و شنیدن و اطاعت کردن سفارش می کنم، اگر هم بر شما بنده سیاه پوست امیر و فرمانروا شود.

اهل سنت و جماعت اعتقاد دارند که معصیت از امیر و فرمانروای مسلمان معصیت از رسول اکرم ﷺ می باشد چنان که پیامبر ﷺ می فرماید: ((من يطع الأمير فقد أطاعني ومن عصي الأمير فقد عصاني)). [متفق علیه]. کسی که از امیر و فرمانروا اطاعت کند از من اطاعت کرده، و هر کس از او نافرمانی نماید از من نافرمانی کرده است، و نماز پشت سرشان، و جهاد با آنان، و دعا کردن برای شان به نیکی و استقامت، و نصیحت کردن آنان را جایز و مشروع می پندارند.

اصل و قاعده پنجم

از قواعد اهل سنت و جماعت خروج بر فرمانروا و حکام مسلمین اگر مخالفتی غیر از کفر باشد حرام می دانند، آن هم به خاطر فرمان رسول الله ﷺ که از آنها در غیر معصیت اطاعت شود تا زمانی که از آنها کفر آشکار سر نزنند، خلاف فرقه معتزله که هنگامی که حکام مسلمین مرتکب گناه کبیره شوند خروج را بر آنان واجب می دانند، گرچه مرتکب کفر هم نشده باشند، و آن را امر به معروف و نهی از منکر می دانند، در حالی که این عمل آنها از بزرگترین منکرات به شمار می رود، چون خروج بر آنها سبب خطرهای بزرگی مانند: بی نظمی و فساد و تفرقه و اختلاف، و تسلط یافتن دشمن خواهد بود.

اصل و قاعده ششم

از قواعد اهل سنت و جماعت حسن نیت و خلوص دل و زبان بر صحابه پیامبر ﷺ می باشد، چنانکه خداوند هنگامی که مهاجرین و انصار را یاد آور شد و آن ها را ستایش کرد، چنین توصیف فرمود: ﴿والذین جاءوا من بعدهم يقولون ربنا اغفر لنا ولإخواننا الذین سبقونا بالإیمان ولا تجعل فی قلوبنا غلاً للذین آمنوا ربنا إنك رؤوف رحیم﴾. [الحشر ۱۰].
[و آنان که بعد از مهاجر و انصار آمدند، (یعنی تابعین و سایر مؤمنین تا روز قیامت، همیشه در دعا به درگاه خدا) عرض می کنند پروردگارا بر ما و برادران دینی مان که در ایمان پیش از ما شتافتند ببخش و در دل ما هیچ کینه و حسد بر مؤمنان قرار مده، پروردگارا تویی که در حق بندگان بسیار با رحم و مهربانی].
و عمل به قول رسول الله که فرمودند: ((لا تسبوا أصحابی فوالذی نفسی بیده لو أنفق أحدکم مثل أحد ذهباً ما بلغ مد أحدهم ولا نصیفه)). [متفق علیه].

یاران مرا ناسزا نگویند، و دشنام ندهید، سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست اگر یکی از شما به اندازه کوه احد طلا انفاق (صدقه) نماید، انفاق و بخشش او به مقدار انفاق و بخشش یک کف دست آنها و حتی نصف آن نمی رسد.

خلاف بر بدعت کنندگان و رافضه و خوارج که صحابه را دشنام می دهند و فضایل آنها را انکار می کنند، و اهل سنت و جماعت خلیفه را بعد از رسول الله ﷺ ابوبکر، سپس عمر، سپس عثمان، سپس علی ؑ می دانند، پس هر کس در خلافت یکی از آنها طعنه بزند، گمراه تر از الاغ خانواده اش می باشد، چون با نص و اجماع که خلافت آنها را تایید کرده، مخالفت کرده است.

اصل و قاعده هفتم

از قواعد اهل سنت و جماعت محبت و دوست داشتن اهل بیت رسول الله ﷺ است، عمل به قول رسول اکرم ﷺ که فرمودند: ((أذكركم الله في أهل بيته)). [مسلم و أحمد و غیره].

شما را در اهل بیت خود تذکر و یادآوری می کنم، (یعنی به آنها محبت کنید، و به آنها احترام بگذارید، و به آنها بد و بیراه نگویند).

و از اهل بیت رسول الله ﷺ همسران او، امهات المؤمنین رضی الله عنهن و أرضاهن می باشند، چون خداوند هنگامی که آنها را مخاطب قرار داد فرمود: ﴿يا نساء النبي﴾. [الأحزاب ۳۲]. [ای زنان پیغمبر].

آنها را نصیحت کرد و به آنها وعده اجر و پاداش بزرگ داده است، آنگاه فرمود: ﴿إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيراً﴾. [الأحزاب ۳۳].

خدا می خواهد ناپاکی و هر عیب را از شما همسران اهل بیت نبوت دور بدارد و شما را کاملاً پاک و پاکیزه گرداند.

اهل بيت اصلی و حقیقی همانا نزدیکان پیامبر خدا می باشند، و مقصود در اینجا افراد صالح و نیک آنها، اما نزدیکان غیر صالح و نیک هیچ حقی در اهل بیت پیامبر خدا ﷺ ندارند، مانند عموی (کاکا) پیامبر خدا ﷺ، ابی لهب، و امثال او، همان طوری که خداوند می فرماید: «تبت یدا ابي لهب وتب». [المسد ۱].

[ابو لهب نابود شد و دو دستش قطع گردید].

و به محض نزدیک بودن و خویشاوندی با رسول اکرم ﷺ با عدم عمل و کردار نیک، صاحبش را هیچ نفعی از خدا نمی رساند، چنان که رسول الله ﷺ می فرماید: ((یا معشر قریش اشترُوا أنفسکم لا أعني عنکم من الله شیئاً، یا عباس عم رسول الله لا أعني عنک من الله شیئاً، یا صفیة عمه رسول الله لا أعني عنک من الله شیئاً، یا فاطمة بنت محمد سلیني من مالي ما شئت لا أعني عنک من الله شیئاً)). [متفق علیه].

ای معشر و جماعت قریش جان خود را از آتش جهنم بخريد و گردن خود را از آن آزاد نمایید، که نمی توانم از آنچه خدا از عذاب و ضرر برایتان خواسته شما را نجات دهم، ای عباس عموی رسول الله نمی توانم در مقابل خدا از تو دفاع کنم، ای صفیه عمه رسول الله نمی توانم در برابر خدا از تو دفاع کنم، ای فاطمه دختر پیامبر هر چه بخواهی از مال من طلب کن که نمی توانم در مقابل عذاب و ضرری که خدا برایت خواسته از تو دفاع کنم.

و نزدیکان نیکوکار و صالح رسول الله ﷺ بر ما حق مراعات و محبت و احترام دارند، و جایز نیست که در آنها غلو و زیاده روی کنیم، و چیزی از عبادت را به آنها اختصاص دهیم، یا این که معتقد باشیم که به غیر از خدا یکی از آنها نفع و ضرری به ما می رساند، زیرا خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: «قل إني لا أملك لكم ضراً ولا رشداً». [الجن ۲۱].

[بگو من مالک و قادر بر خیر و شر شما نیستم].

و می فرماید: «قل لا أملك لنفسي نفعاً ولا ضراً إلا ما شاء الله ولو كنت أعلم الغيب لاستكثرت من الخير وما مسني السوء». [الأعراف ۱۸۸].

[بگو من مالک نفع و ضرر خویش نیستم مگر آنچه خدا بر من خواسته باشد، و اگر من از غیب جز آن چه به وحی می دانم آگاه بودم بر خیر و نفع خود همیشه می افزودم و هیچ گاه زیان و رنج نمی دیدم].

اگر رسول الله ﷺ چنین باشد که نتواند به خود نفع و ضرری برساند مگر با اجازه خدا، پس چگونه غیر از او دیگری (می تواند این کار را بکند) پس آن عقیده را که بعضی از مردم در باره کسانی که به خویشان رسول الله ﷺ نسبت داده می شود، دارند، عقیده باطل است.

اصل و قاعده هشتم

از قواعد اهل سنت و جماعت تصدیق کرامات اولیاء الله است، یعنی آن چه خداوند با دست بعضی از آن ها از کارهای خارق العاده انجام می دهد، چنان که قرآن و سنت بر آن دلالت کرده است.

و فرقه معتزله و جهمیه وقوع کرامات اولیاء را انکار کرده اند، و آن انکاری به امر واقع و معلوم است، لیکن باید دانست که بعضی از مردم در حال حاضر در موضوع کرامات گمراه شده و در آن غلو کرده اند، تا اینکه بعضی از چیزهایی به کرامات چسپانیده اند که از کرامات به شمار نمی رود، مانند جادوگری و اعمال سحر و شیطانی و حقه بازی. فرق بین کرامات و جادوگری این است که: کرامات از دست بندگان صالح و نیکوکار خدا بر می خیزد.

و جادوگری از دست ساحران و کافران و ملحدان به قصد گمراهی خلق و خوردن و بالا کشیدن اموال آنهاست.

و سبب کرامات طاعت خداست.

و سبب جادوگری و سحر، کفر و گناهان می باشد.

اصل و قاعده نهم

از قواعد اهل سنت و جماعت در استدلال دنباله روی و پیروی از آنچه قرآن و سنت رسول الله ﷺ به صورت ظاهری و باطنی آورده اند، و پیروی از آنچه صحابه از مهاجرین و انصار بطور عموم، و از خلفای راشدین به طور خصوص بر آن بودند، است، همان طوری که رسول اکرم ﷺ می فرماید: ((علیکم بسنتی و سنت الخلفاء الراشدين)). [أبوداود والترمذی وأحمد وابن ماجه]. معنای آن قبلاً گفته شده است. و بر کلام خدا و کلام رسول الله، کلام هیچ کس از بشر را جلو تر نمی دانند، به همین سبب اهل سنت و جماعت نامیده شده اند.

و بعد از گرفتن آنچه در قرآن و سنت باشد، آنچه علمای امت بر آن اجماع کرده اند می گیرند، و این قاعده سوم است که بعد از قرآن و سنت بر آن اعتماد می کنند، چنان که خداوند می فرماید: ﴿فإن تنازعتم في شئء فردوه إلى الله والرسول إن كنتم تؤمنون بالله واليوم الآخر ذلك خير وأحسن تأويلاً﴾. [النساء ۵۹].

[اگر در باره چیزی با هم اختلاف نمودید (برای رفع اختلاف) (کتاب خدا: قرآن) و به (سنت) پیامبر مراجعه نمایید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، (این مراجعه به کتاب خدا و سنت پیغمبر) برای شما بهتر و خوش عاقبت تر خواهد بود].

اهل سنت و جماعت معتقد به عصمت هیچ کس غیر از رسول الله ﷺ نیستند، و به رای و نظریه هیچ کس تعصب نمی ورزند تا این که موافق با قرآن و سنت باشد، و معتقدند که عالم مجتهد ممکن است خطا کند و ممکن است درست بگوید، و به هیچ کس اجازه اجتهاد نمی دهند مگر کسی که دارای شرایط اجتهادی باشد، که نزد علماء معروف است، و در مسائل و گفته هایی که در آن ترجیح به یکی از گفته ها ندارد، و نص مورد اجتهاد، احتمال دارد دارای چند معنی باشد، اهل سنت انکار بر یکدیگر نمی کنند.

و اختلاف در مسائل اجتهاد سبب دشمنی با یکدیگر و دوری از هم نمی گردد، چنان که اهل بدعت تعصب دارند و چنین می کنند، بلکه اهل سنت هم دیگر را دوست داشته و

پشتیبانی همدیگر می کنند، با وجود اختلاف در مسایل فرعی پشت سر هم نماز می خوانند، خلاف بر اهل بدعت که هر کس با آنها مخالفت کند او را دشمن و گمراه و کافر می دانند.

خاتمه

اهل سنت و جماعت با این اصول و قواعدی که گذشت صفات عظیمی که کامل کننده عقیده می باشد دارند که آن عبارت است از:

۱ - امر به معروف و نهی از منکر، در آن چه دین مبین آن را واجب کرده است، خداوند می فرماید: ﴿کنتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنکر وتؤمنون بالله﴾. [آل عمران ۱۱۰].

[شما (مسلمانان حقیقی) بهترین امتی هستید که به جهان آمد، زیرا به خوبی وادار می کنید، و از بدی جلوگیری می نمایید، و به خدای یکتا ایمان دارید].

و رسول اکرم ﷺ می فرماید: ((من رأي منکم منکراً فلیغیره بیده، فإن لم یستطع فبلسانه، فإن لم یستطع فبقلبه وذلك أضعف الإیمان)). [مسلم و غیره].

کسی که از شما منکر و زشت و ناپسندی را دید آن را با دست خود تغییر دهد، و اگر نتوانست با زبان خود آن را تغییر دهد، و اگر با زبان هم نتوانست با قلب خود آنرا زشت و بد بداند و این (مرحله) ضعیف ترین (مرحله) ایمان است.

گفتیم: آن چه دین مبین اسلام آن را واجب کرده، خلاف بر قول و گفتار فرقه معتزله که امر به معروف و نهی از منکر را از دایره آنچه که دین مبین واجب کرده خارج نموده اند و معتقدند که امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از: خارج شدن بر حکام و فرمانروایان مسلمان در صورتی که مرتکب گناهی شوند، اگر کفر هم نباشد.

در حالی که اهل سنت و جماعت معتقدند که حکام را نصیحت کنند و بر آن ها انقلاب و خروج نکنند و آن هم برای وحدت کلمه و دوری از اختلاف و تفرقه.

شیخ الإسلام ابن تیمیة رحمه الله گوید: (شاید دیده نشده گروهی که بر سلطان و حاکم خروج کرده باشند، مگر اینکه انقلاب آنها سبب فساد بیشتر از اصلاح ذات البین شده است. [مجموع الفتاوی ۱۷۹/۲۸ - ۱۸۰].

۲ - از صفات اهل سنت و جماعت محافظت بر شعائر اسلام مانند ادای نماز جمعه و جماعت است، خلاف بر نوآوران در دین و منافقین که نماز جمعه و جماعت را بجا نمی آورند.

۳ - و از صفات آن ها نصیحت هر مسلمان و کمک و یاری آنها در نیکوکاری است، عمل به سخن رسول الله ﷺ که می فرماید: ((الدين النصيحة، قلنا لمن؟ قال: لله ولكتابه ولرسوله ولأئمة المسلمين وعامتهم)).
[مسلم وأحمد وأبو داود والنسائي].

اسلام دین نصیحت است که به کردار و گفتار نیک نصیحت می کند، یاران پرسیدند: نصیحت برای چه کسی؟ فرمود: برای خدا: (که به او ایمان بیاورید)، و برای کتاب خدا: (که آنرا بخوانید و مورد عمل قرار دهید)، و برای رسول خدا: (که از او اطاعت کنید)، و برای علماء و امراء و حکام مسلمین: (که از آنها اطاعت کرده و آن ها را یاری دهید، و بر آنها انقلاب و خروج نکنید، مگر در حال کفر آشکار و واضح، در این جاست که در برابر معصیت خالق، اطاعت از مخلوق درست نیست)، و همچنین برای تمام مردم: (که آنها را راهنمایی و به راه راست یاری دهید).

و عمل بقول رسول الله ﷺ که فرمودند: ((المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً)).
[متفق عليه].

مؤمن با مؤمن دیگر مانند ساختمانی است که یک قسمت آن، قسمت دیگر را محکم نگه می دارد.

۴ - از صفات آنها استوار و محکم بودن در وقت آزمایش و بلا، آنها با صبر و شکیبایی بر بلاها، و شکر و سپاس خدا هنگام ناز و نعمت، و رضا و خشنودی به قضا و سرنوشت است.

۵ - و از صفات آنها این که بزرگی، و کرم، و جوانمردی، و کارهای نیک، و طاعت پدر و مادر، و صله رحمی، و نیکی با همسایگان انجام می دهند، و از کبر و غرور و

خودپسندی، و ظلم و ستم، و تکبر بر مردم، دوری می جویند، عمل به سخنان خداوند سبحانه: ﴿واعبدوا الله ولا تشرکوا به شیئاً وبالوالدین إحساناً وبذی القربی والیتامی والمساکین والجار ذی القربی والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن السبیل وما ملکت أیمانکم إن الله لا یحب من کان مختالاً فخوراً﴾. [النساء ۳۶].

[خدای یگانه را بپرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نسبت به پدر و مادر، و خویشان، و یتیمان، و فقیران، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست نزدیک، و رهگذران، و بردگان، و پرستاران که زیر دست شمایند، در حق همه، نیکی و مهربانی کنید، که خدا مردم خودپسند متکبر را دوست نمی دارد].

عمل به گفته رسول الله ﷺ که می فرماید: ((أکمل المؤمنین إيماناً أحسنهم خلقاً)).
[أحمد والترمذی وأبوداود وغیرهم].

بهترین مؤمنان و کاملترین ایمان آنها، کسی است که اخلاق او خوب و نیک باشد.
از خدا خواستاریم که ما را با منت و کرم خود از آنان بدارد، و بعد از هدایت، قلب ما را به گمراهی و انحراف نکشاند.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وآله وصحبه أجمعین.